

نظام الگودهی و راهکارهای دستیابی به آرزوها از منظر قرآن با تاکید بر آیه ۲۴ نجم

حسین مظفری*
راضیه مظفری**

چکیده

آیاتی از قرآن کریم به بیان عوامل و راهکارهای موثر در دستیابی به آرزوها پرداخته است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی به دنبال بررسی این عوامل و راهکارها است. آیه ۲۴ سوره نجم حاکی از آن است که انسان به صرف آرزومندی، به آمال خود دست نمی‌یابد بلکه دستیابی به آرزوها مستلزم بهره‌گیری از عواملی است که برخی از آنها براساس استنتاج آیات الهی و پاره‌ای دیگر نیز بر مبنای شاخصه‌های تبیین رستگاری و در ذیل مفاهیمی مانند «فوز» و «فلاح» و مشتقات آنها قابل استخراج است. قرآن کریم ضمن تایید و تبیین آرزوهای سازنده و بیان مصادیق متعددی از آنها در قالب ادعیه پیامبران الهی، راهکارهای دستیابی به این آرزوها را نیز معرفی می‌نماید که عبارتند از: ایمان، توکل، صبر، تلاش، تقوا و پرهیزگاری و اطاعت از خداوند و پیامبر ﷺ.

واژگان کلیدی

آیه ۲۴ نجم، آرزو، راهکارهای دستیابی.

*. استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.
mozaffari48@yahoo.com
** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء رحمته‌الله (نویسنده مسئول).
mozaffari1391@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۵

طرح مسئله

خداوند در آیه ۲۴ سوره مبارکه نجم می‌فرماید: «... أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى؛ یا برای انسان آنچه را آرزو دارد، [فراهم] است؟» این آیه به صورت تلویحی این مسئله را متذکر می‌شود که بسیاری از آرزوهای انسان آرزوهایی خام و دست‌نیافتنی است. از این رو، دو پرسش زیر فراروی انسان قرار می‌گیرد: آرزوهای صحیح از منظر قرآن کریم کدام است؟ راهکارهای دستیابی به این آرزوها چیست؟ پژوهش حاضر تلاشی است برای پاسخ به دو پرسش مزبور که با استفاده از آیات قرآن کریم صورت گرفته است.

با توجه به نقش آرزوها و تأثیرات آن در پیشرفت‌های مادی و معنوی بشر، ارائه منظومه‌ای از آمال مدنظر مبدأ هستی به همراه راهکارهای تحقق آنها - به‌منظور ترسیم نقشه راه توحیدی - ضروری به نظر می‌رسد. هرچند پژوهش‌هایی اندک در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد و با موضوع آرزو ارائه گردیده، در این واکاوی‌ها، راه رسیدن به آرزوهای مورد نظر قرآن بررسی نشده است. برای مثال پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد با عنوان آرزو در قرآن و حدیث (دانشگاه الزهراء تهران، ۱۳۸۸)، امید و آرزو در قرآن و حدیث و مقایسه آن با یافته‌های جدید علمی دانشمندان (دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ۱۳۸۷)، بررسی آرزو در نهج‌البلاغه (دانشگاه قرآن و حدیث پردیس قم، ۱۳۹۰) و نیز آرزو در قیامت (دانشکده اصول الدین تهران، ۱۳۹۰) از جمله پژوهش‌هایی است که به استثنای مورد اول - که به‌اختصار به موضوع این مقاله پرداخته - بقیه آنها از حیث محتوا با مباحث این نوشتار کاملاً تفاوت دارد. علاوه بر آن مقاله‌ای با عنوان «آرزو در دایرة‌المعارف قرآن کریم» نیز به چاپ رسیده که در آن کلیاتی در باب آرزو از دیدگاه قرآن مطرح گردیده است. همچنین کتاب فرهنگ‌نامه آرزو نوشته محمد محمدی ری‌شهری از جمله منابعی است که در آن صرفاً روایات مرتبط با بحث آرزو با طرحی خاص گردآوری شده است. این پژوهش در راستای پاسخ به نقیصه پژوهشی گفته‌شده، به الگودهی قرآن کریم در مبحث آرزوهای صحیح و سازنده (در قالب آرزوهای انبیا و مؤمنین) پرداخته و البته در مقابل، آرزوهای منفی و بازدارنده اهل کتاب، کافران و منافقان را نیز به‌اختصار خاطر‌نشان ساخته تا رهروان طریق حقیقت را از مخاطرات این قبیل تمایلات دنیوی آگاه نماید.

نیک می‌دانیم که رستگاری و سعادت پایان راه تمامی ادیان آسمانی است. دین مبین اسلام نیز در این راستا و با شفافیت هرچه تمام‌تر، عوامل و شاخصه‌های مختلفی را برای رسیدن به این هدف والا برشمرده است. باید توجه داشت که سعادت با اموری از قبیل آرزو و موفقیت بستگی کامل دارد. (مطهری، بی‌تا: ۷ / ۵۳) ارتباط «سعادت» و «آرزو» بدین گونه است که آرزو شرط رسیدن به سعادت است؛

یعنی آرزو برای این جهت به انسان داده شده که او را به حرکت درآورد و به دنبال گمشده سعادت بکشد. در *المیزان* آمده است: «فوز» (معادل سعادت و رستگاری) به معنای رسیدن و دست یافتن به آرزوست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۳۱) مدرسی در *تفسیر هدایت* نیز رستگاری را رسیدن به آرزو و تحقق یافتن دورترین هدفها و خواستهها می‌داند. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۱۳۰) بی‌تردید معنای آرزو از نگاه مفسرین مذکور، آمال در راستای قرب الهی است. بنابراین اگر آرزوهای انبیا و مؤمنین را در شمار آرزوهای سازنده و حقیقی محسوب کنیم، از آنجاکه تحقق آمال و آرزوهای پیامبران و مؤمنان مصداق فوز و فلاح و سعادت است، می‌توان راهکارهای رسیدن به آمال و آرزوها از منظر قرآن کریم را شروط دستیابی به فلاح و رستگاری به شمار آورد. نکته حایز اهمیت اینکه در مقام قیاس با سایر ادیان، دین اسلام به اقتضای تکامل خود، این شاخصه‌ها را دقیق‌تر تبیین نموده است. همچنین در قیاس با مکاتب بشری نارسا و ناقص امروزی که آموزه‌های خود را به‌منظور کامیابی دنیوی طرفداران خود طراحی نموده‌اند، اسلام در یک نگاه جامع، رستگاری و کامیابی پیروان خود را در هر دو جهان، توأمان هدف‌گیری نموده است.

در راستای هدف‌گذاری صورت‌گرفته و در یک سیر منطقی و درعین‌حال موجز، به‌ترتیب به مفهوم‌شناسی آرزو (معنا، واژگان معادل و مرتبط با آن در قرآن، مبانی تقسیم‌بندی آرزو و مصادیق قرآنی آن) اشاره کرده و سپس به شاخصه‌ها و راهکارهای نیل به آرزوها و تمایلات از نظر قرآن به تفصیل پرداخته‌ایم.

مفهوم‌شناسی آرزو

معنای لغوی و اصطلاحی

آرزو در لغت به معنای شهوت، اشتها، خواهش، مراد، چشمداشت، شوق، امید، آرمان، توقع و انتظار مطلوب است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱ / ۷۵) جمع آن نیز آرزوهاست، به معنای اطماع، اشواق، شهوات، اهواء و حاجات. (معین، ۱۳۸۱: ۶۳) آرزو کردن نیز به معنای خواهش کردن و درخواست نمودن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱ / ۷۵) معادل انگلیسی واژه آرزو، «*aspiration*» (پورافکاری، بی‌تا: ۱ / ۵۷) و معادل واژه آرزو کردن «*to like to-to wish to*» است. (روحی بلبکی، ۲۰۰۵: ۲۲۷) آرزو در اصطلاح عبارت است از: نیرویی حیاتی که موجود را به تحرک وامی‌دارد و انسان به موجب آن، هدف‌هایی را برای رسیدن به آنها در نظر می‌گیرد و توان خود را برای این منظور به کار می‌بندد. (منصور، دادستان و راد، بی‌تا: ۵۹)

واژگان معادل و مرتبط در لغت عرب و قرآن

۱. تمنی

«تمنی» به معنای تقدیر و تصویر کردن چیزی در ذهن است. طبق نظر ابن فارس، تمنی آرزویی است که انسان آن را در ذهن تقدیر می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۹۳۰) ابن‌اثیر نیز آن را به معنای میل داشتن و تحقق چیزی محبوب دانسته است. (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۴ / ۳۶۷)

از نظر راغب، تقدیر آرزو، گاه از روی تخمین و گمان است و گاه از روی اندیشه و یک اصل، اما چون بیشتر از روی تخمین است، دروغ در آن بیشتر راه دارد و غالباً تمنی‌ها تصور چیزی هستند که واقعیت ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷۸۰) این واژه و مشتقات آن هفده بار در قرآن به کار رفته است. (روحانی، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۰۱ - ۲۹۴)

۲. أمل

فراهیدی، امل را به معنای رجا (امید) دانسته (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸ / ۳۴۷)، اما صاحب‌التحقیق، به اختلاف معنایی ظریف بین امل و رجا اشاره می‌کند: «معنای حقیقی این واژه (امل)، امید بعید و انتظار امری بعیدالوصول است که در فارسی به آن آرزو گفته می‌شود؛ درحالی‌که معنای رجا، امید است.» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۱ / ۱۴۹) در *فروق اللغویه* نیز امل به معنای امید و آرزوی مستمر آمده است. (عسکری، ۲۰۰۶: ۲۷۵)

این واژه دو بار در قرآن آمده است که یک‌بار به معنای آرزوهای نیک به کار رفته (کهف / ۴۶) و دیگر بار به معنای آرزوهای ناپسند و بازدارنده. (حجر / ۳)

۳. وَدّ

براساس گفته فراهیدی، مصدر «وَدّ» و فعل وَدّ - یوَدّ به دو معنای دوستی و آرزو به کار می‌رود. اما ابن فارس بر آن است که مصدر «وَدّ» فقط برای دوست داشتن و مصدر «وَداده» فقط برای تمنی استعمال می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۸ / ۹۹)

۴. لَیْت

«لَیْت» کلمه آرزو و تمناست (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۷۳)، از این رو اصلی‌ترین و رایج‌ترین کاربرد آن برای بیان آرزوست. (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۹۰۲)

واژه لَیْت و مشتقات آن چهارده مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. (عمایره و مصطفی، ۱۴۱۰: ۵۶۶) از این بین، نه مورد آن حاکی از آرزوی آرزوکننده در قیامت است که عملاً

ممتنع الوقوع است.^۱ و پنج مورد دیگر نیز حاکی از آرزوی آرزوکننده در دنیاست که بعید الحصول است.^۲

۵. هل

اصل ساختار این کلمه برای پرسش است که گاهی مجازاً برای تمنی استعمال می‌شود. کاربرد «هل» به جای «لیت» در مواردی است که متکلم امیدی به برآورده شدن آرزویش ندارد. (شیرازی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۱۳) واژه «هل» ۸۴ مرتبه در قرآن کریم آمده که در سه مورد^۳ برای تمنی استعمال شده است.

۶. لو

«لو» که در اصل برای شرط وضع شده، گاهی در معنای آرزو نیز به کار رفته است. (سیوطی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۴۹) این واژه ۲۰۱ مرتبه در قرآن به کار رفته (عمایره و مصطفی، ۱۴۱۰: ۵۱۹) که پانزده مورد آن برای بیان آرزوهاست.^۴

۷. لعل

در اغلب موارد واژه «لعل» مانند «هل» حاکی از امید آرزوکننده به تحقق آرزوست؛ درحالی که «لو» از ناامیدی حکایت دارد. «لیت» نیز به معنای مطلق آرزوست که از هر دو ویژگی (امید و نومیدی) خالی است. (سیوطی، ۱۴۰۸: ۲۹۴) برخی کاربرد اصلی لعل را برای اظهار امید، و در آیه ۳۶ سوره غافر نیز آن را به معنای آرزو دانسته‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۶۷)

۸. فوز

«فوز» به معنای رسیدن و دست یافتن به آرزو و کارهای نیک است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۳۹۲؛ حسینی زبیدی، ۱۳۷۸: ۱۵ / ۲۷۳) علامه و برخی مفسران دیگر نیز این واژه را در دست یافتن و رسیدن به آرزو و نیز به مراد رسیدن و کامیاب شدن معنا کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵ / ۲۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۳۱؛ داورپناه، ۱۳۷۵: ۷ / ۳۴۹؛ جعفری، بی تا: ۴ / ۵۵۲) افزون بر این، «فوز» را دارای دو معنای متضاد نیز دانسته‌اند که اولی بر نجات، و دومی بر هلاکت دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۴ / ۴۵۹) «فازَ - یفوزُ - فوزاً» به معنای ظفر و نجات یافتن آمده و فازَ به معنای قطع مَفازه است. مَفازه جایگاه هلاکت است که در این صورت رهایی یافتن از هلاکت معنا می‌دهد.

۱. انعام / ۲۷؛ فرقان / ۲۸ - ۲۷؛ احزاب / ۶۶؛ زخرف / ۳۸؛ صف / ۲۵؛ حاقه / ۲۷؛ نباء / ۴۰؛ فجر / ۲۴.

۲. نساء / ۷۳؛ کهف / ۴۲؛ مریم / ۲۳؛ قصص / ۷۹؛ یس / ۲۶.

۳. اعراف / ۵۳؛ غافر / ۱۱؛ شوری / ۴۴.

۴. نساء / ۴۲، ۸۹ و ۱۰۲؛ آل عمران / ۳۰، ۶۹ و ۱۱۸؛ بقره / ۹۶ و ۱۰۹؛ حجر / ۲؛ احزاب / ۲۰؛ ممتحنه / ۲؛

قلم / ۹؛ معارج / ۱۱؛ زمر / ۵۸؛ بقره / ۱۶۷.

همچنین به معنای ظفر یافتن به خیر و نیکی با حصول تندرستی آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۶۴۷) کلمه فوز و مشتقاتش نوزده بار در قرآن تکرار شده است. (بیستونی، همان: ۹۱۰)

۹. فلاح

«فلاح» در لغت به دو معنا به کار رفته است: یکی شکافتن و دیگری رستگاری و بقا. معنای اولی از «فَلَحْتُ الْأَرْضَ» به معنای شکافتن زمین، و معنای دومی از «الْفَلَاحُ» به معنای بقا و فوز است. (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۳۳) واژه‌شناسان «فلاح» را رسیدن به آرزوها و درک آنها و نیز دستیابی به مطلوب نیز معنا نموده‌اند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۴۰۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۴۴) علامه طباطبایی کلمه «فلاح» را به معنای ظفر یافتن و رسیدن به آرزو می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۴) بیشتر مفسرین نیز ضمن تأیید این مطلب، «فلاح» و «فوز» را به یک معنا دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵ / ۶۱؛ جعفری، بی تا: ۴ / ۵۵۲؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲ / ۶۰۱) برخی نیز فوز را نتیجه فلاح ذکر نموده‌اند. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۵ / ۲۰۷) در قرآن واژه فلاح به کار نرفته، اما مشتقات آن ۳۹ بار به صورت ماضی و مضارع و اسم فاعل ذکر شده است. (شعرانی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۷۱) برای مثال، «أَفْلَحَ» در آیه ۱۴ سوره اعلی به معنای رسیدن به منتهای آرزوست. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۷ / ۱۸)

تقسیم‌بندی آرزوها بر اساس انگاره‌های دینی

روان‌شناسان بر آن اند که زیربنای آرزوهای انسان را نیازهای او تشکیل می‌دهد و این نیازهاست که برای انسان، انگیزه و تمایل به امور مختلف را ایجاد می‌کند. (مزلو، ۱۳۶۷: ۷۰) در هر زمانی که دسته‌ای از نیازها بر وجود انسان حاکم می‌شود، تمایلات، انگیزه‌ها و آرزوهایی مناسب با آنها نیز در انسان به وجود می‌آید که محرک فعالیت‌های وی خواهد شد. از این‌رو، محرک‌ها و انگیزه‌ها تصویر روانی نیازهای فیزیولوژی و معنوی انسان است. (بنگرید به: عثمان، ۱۳۶۷: ۴۱ - ۳۵)

از نیازهای اساسی انسان کمال‌جویی است. آرزوی کمال، در سرشت انسان ریشه دارد و از همین رو آدمی ذاتاً در جستجوی کمال مطلق است و به هیچ حدی از کمالات قانع نیست. این خصوصیت فطری اصلی‌ترین عامل پیشرفت تمدن بشر و تکامل جامعه انسانی است. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱۳) بهره‌گیری صحیح انسان از این موهبت الهی، منوط به شناخت کمال واقعی است. هنگامی که انسان هدف‌نهایی زندگی و برترین آرزوها را تشخیص داد، همه خواسته‌ها و آرمان‌های او در جهت رسیدن به این هدف قرار می‌گیرد؛ زیرا می‌داند هر خواسته‌ای که در جهت رسیدن به این آرزوی بزرگ است، درست و حق و هرچه در جهت خلاف آن باشد، نادرست و باطل است. بنابراین از آنجاکه انسان در

جستجوی کمال است و با توجه به اینکه خداوند، کمال مطلق و نهایت آرزوی آدمی است، می‌توان قرب به خدا و رضایت خداوند را مبنای تقسیم‌بندی آرزوها قرار داد و بر این اساس آنها را به دو دسته سازنده (حقیقی) و بازدارنده (غیرحقیقی) تقسیم‌بندی نمود.

یک. آرزوهای سازنده

آرزوهایی هستند که انسان را در جهت نزدیکی به خداوند و تخلق به اخلاق الهی و رسیدن به کمال حقیقی یاری می‌کنند که البته مهم‌ترین نشانه آنها ایجاد آرامش و طمأنینه قلب است: «... أَلَا يَذَكِّرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ.» (رعد / ۲۸) منظور از ذکر خدا که مایه آرامش دل‌هاست، تنها ذکر زبانی نیست، بلکه حقیقت ذکر آن است که فرد با تمام وجود متوجه خدا و عظمت و علم و آگاهی‌اش گردد و این توجه، مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها شود و میان او و گناه، سد محکمی ایجاد کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۲۱۵) این قبیل آرزوها در قرآن بیشتر از زبان انبیای الهی و مؤمنین و در قالب ادعیه بیان گردیده است. هرچند هر یک از واژگان آرزو و دعا، مفهوم خاص خود را دارند، این دو مفهوم مستقل گاهی به صورت یک مصداق مشترک جلوه‌گر می‌شوند. «آرزو»؛ یعنی طلب مقفود و «دعا» نیز به معنای خواندن، و در معنای خاص آن مناجات با خداوند و درخواست حاجت از مبدأ کمال است. انسان موحد که به مقتضای فطرت همواره در مسیر شوق به کمال و فرار از نقص در حرکت است، برای رسیدن به مطلوب مقفود خود، از خداوند یاری می‌خواهد و با دعای خویش رسیدن به همه کمالات و دوری از همه نقص‌ها را می‌طلبد. از آنجاکه پیامبران (و در مرحله نازل‌تر مؤمنین) نیز از مرتبه نامتناهی حضرت حق فاصله دارند و با توجه به اینکه حقیقت هر آرزویی همان طلب نامتناهی است، انبیای الهی و مؤمنین نیز به تبع روح بلند و لطیفشان آرزوهای والایی داشته‌اند که آنها را در قالب دعا از خداوند طلب نموده‌اند.

دو. آرزوهای بازدارنده

انواعی از تمایلات که منجر به دوری انسان از ذات اقدس اله می‌گردند، در دایره آرزوهای کاذب و غیرحقیقی، یا به تعبیری جزو آرزوهای بازدارنده قرار می‌گیرند؛ چرا که انسان را از پیمودن راهی که به هدف آفرینش منجر می‌شود، بازمی‌دارند. این نوع آرزوها که در قرآن کریم از زبان کافران، مشرکان و اهل کتاب ذکر گردیده، مبتنی بر ارضای شهوات مختلف دنیوی است و اساساً با مقوله آخرت هیچ‌گونه سختیتی ندارد. احادیثی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام در باب مذمت آرزو وارد شده، متعلق به این دسته از آرزوهاست.

مصادیق آرزوهای سازندهای حقیقی

بی‌شک در راستای تبیین مصادیق آرزوهای حقیقی می‌باید از آمل انبیای الهی و مؤمنین بهره جست که در طول حیات خود به حقیقت عالم تقرب بیشتری داشته‌اند. در قرآن کریم به تعدادی از پیامبران و مؤمنین اشاره شده که طلب و تمناهایشان را در قالب دعا از خداوند درخواست نموده‌اند:

۱. حضرت آدم علیه السلام: رحمت و مغفرت الهی (اعراف / ۲۳، بنگرید به: طبرسی، ۱۴۰۶: ۹ / ۷۴).
۲. حضرت نوح علیه السلام: نصرت الهی (مؤمنون / ۲۶؛ قمر / ۱۰)؛ نجات از کافران (شعراء / ۱۱۸)؛ غفران الهی (نوح / ۲۸، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۵۶)؛ نابودی و فزونی گمراهی کافران معاند (نوح / ۲۶، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵ / ۸۹)؛ و سرزمینی پربرکت (مؤمنون / ۲۹، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۴۱).
۳. حضرت ابراهیم علیه السلام: امنیت و روزی فراوان (بقره / ۱۲۶، بنگرید به: زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۵۲؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۲ / ۴۹)؛ اسلام حقیقی و ذریه مسلمان (بقره / ۱۲۸، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۲۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱ / ۳۱۳)؛ تعلیم و تزکیه امت‌ها (بقره / ۱۲۹)؛ ارتقای بینش و پیوستن به صالحان (شعراء / ۸۳، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۴۰)؛ آوازه نیک (شعراء / ۸۴، بنگرید به: طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۸ / ۳۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۹ / ۹۸)؛ جنت نعیم (شعراء / ۸۵، بنگرید به: رازی، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۳۳۳؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۴ / ۳۴۲)؛ نسل صالح (صافات / ۱۰۰، بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۱۰۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۴۵)؛ اقامه نماز (ابراهیم / ۴۰، بنگرید به: زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۳ / ۲۲۶)؛ قبولی اعمال در محضر پروردگار (ممتحنه / ۵)؛ عدم شرمساری در قیامت (شعراء / ۸۷، بنگرید به: مدرسی، ۱۳۷۷: ۹ / ۶۹)؛ دوری از بت‌پرستی (ابراهیم / ۳۵)؛ تسخیر دل‌ها و برخورداری از نعم الهی (ابراهیم / ۳۷)؛ مغفرت الهی برای خود و همگان (ابراهیم / ۴۱).
۴. حضرت لوط علیه السلام: نصرت الهی (عنکبوت / ۳۰)؛ رهایی از قوم بدکار (شعراء / ۱۶۹).
۵. حضرت سلیمان علیه السلام: توفیق شکرگزاری و انجام عمل صالح (نمل / ۱۹)؛ بندگی شایسته (نمل / ۱۹)؛ حکومتی بی‌بدیل (ص / ۳۵).
۶. حضرت یوسف علیه السلام: فرجام نیک و پیوستن به صالحان (یوسف / ۱۰۱، بنگرید به: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۲۷۰).
۷. حضرت موسی علیه السلام: شرح صدر (طه: ۲۵، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۲۰۲)؛ راحتی مأموریت (طه / ۲۶، بنگرید به: همان: ۱۴ / ۲۰۳)؛ گشودن گره از زبان (طه / ۲۸ - ۲۷)؛ نابودی دارایی و کوردلی کافران (یونس / ۸۸، بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۱۶۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۱ / ۲۵۲).

۸. حضرت زکریا علیه السلام: نسل طیب (آل عمران): ۳۸. بنگرید به: زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۲۷۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۸ / ۲۱۰).
۹. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: عملکردی صادقانه با اتکا به مدد الهی (اسراء / ۸۰): فزونی دانش (طه / ۱۱۴). بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۳۰۰؛ قرآنی، ۱۳۸۳: ۷ / ۳۹۹؛ غفران و رحمت الهی (مؤمنون / ۱۱۸). بنگرید به: مدرسی، ۱۳۷۷: ۸ / ۲۴۴).
- آرزوهای مؤمنان نیز مشتمل بر این موارد است: هدایت (حمد / ۶). بنگرید به: زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱ / ۵۷؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۵۸؛ قرآنی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۰؛ رهایی از لغزش‌ها و نزول رحمت الهی (آل عمران / ۸). بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳ / ۴۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵ / ۲۴۲؛ حسنه دنیا و آخرت (بقره / ۲۰۱)؛ همجواری با پروردگار و نجات از ظالمان (تحریم / ۱۱). بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۵۷۸؛ صبر، پایداری و پیروزی (بقره / ۲۵۰). بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۴۶؛ خانواده نورانی و پیشوایی متقین (فرقان / ۷۴). بنگرید به: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۷ / ۸۱؛ خروج از دیار کفر و تقاضای سرپرست و یاور (نساء / ۷۵). بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۱ - ۱۰؛ غفران الهی برای خود و برادران ایمانی و قلبی عاری از کینه در مورد مؤمنین (حشر / ۱۰). بنگرید به: رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۱۴۲؛ آمرزش و مردن با نیکان (آل عمران / ۱۹۳). بنگرید به: محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۷۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۹ / ۴۶۷؛ عدم‌رسوایی در قیامت (آل عمران / ۱۹۴). مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳ / ۲۲۰؛ هدایت گمراهان (یس / ۲۷ - ۲۶). بنگرید به: صدرالمتألهین، ۱۳۶۶: ۵ / ۶۴).

راهکارها و شاخصه‌های قرآنی برای دستیابی به آرزوها

با استناد به آیاتی که بدانها اشاره گردید، می‌توان مدعی شد که خداوند در آیات قرآن علاوه بر ترسیم تمایلات و آرزوهای سازنده، به ارائه عوامل مؤثر در درک آن نوع آمال نیز پرداخته است. نکته اینجاست که ذات اقدس اله افزون بر تبیین شاخصه‌های عمومی، به راهکارهای اختصاصی مؤثر برای رسیدن به آرزوهای حقیقی و سازنده نیز پرداخته که موارد اخیر را می‌توان در آینه مفاهیمی چون «فوز» و «فلاح» و مشتقات آنها - که در معنای رستگاری، سعادت‌مندی و کامیابی آمده - رمزگشایی نمود و «مگر رستگاری [چیزی جز] رسیدن به آرزو و تحقق یافتن دورترین هدف‌ها و خواسته‌هاست؟» (بنگرید به: مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۸ / ۱۳۰)

با استناد به نظر واژه‌شناسان و مفسران که مفاهیم دو کلمه مذکور را معادل یکدیگر و به‌معنایی دستیابی به آرزوها ذکر کرده‌اند، می‌توان «فائزون» و «مفلحون» را در زمره افرادی به‌شمار آورد که

به آرزوهایشان دست یافته اند. بالطبع این نوع تمایلات و آمال از دسته آرزوهای سازنده هستند. بر همین اساس با رجوع به این نوع آیات می‌توان شاخصه‌های کامیابی (یا رستگاری) از دیدگاه قرآن را برشمرد که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۱. ایمان

ایمان عبارت است از: جای‌گیر شدن اعتقاد در قلب. این کلمه از ماده «أ م ن» اشتقاق یافته است. گویا شخص با ایمان، آنچه را بدان ایمان آورده، از شک و تردید - که آفت اعتقاد است - در امان قرار می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۵) براساس آیات الهی، «ایمان به خداوند» در جهت درک آرزوهای سازنده و به تبع آن رستگاری، مقدم بر سایر ویژگی‌ها ذکر گردیده است (توبه / ۲۰؛ جاثیه / ۳۰؛ حدید / ۵۷؛ اعراف / ۱۵۷)؛ زیرا اصولاً عمل بدون ایمان فضیلتی نداشته و برای صاحبش نزد خدا باعث درجه‌ای نمی‌شود (همان، ۱۳۷۴: ۹ / ۲۷۴) تا چه رسد به اینکه کامیابی اخروی را در پی داشته باشد. ایمان به معنای این است که آدمی خداوند را تصدیق، و به یگانگی‌اش اعتراف کند. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۱ / ۴۶) مؤمنان که متصف به این ویژگی هستند، براساس آیات الهی در زمره رستگاران و کامیابان قرار گرفته‌اند. (مؤمنون / ۹ - ۱) از آنجا که ایمان علاوه بر اعتقاد قلبی، التزام به لوازم و عمل به مقتضیات اعتقاد را نیز شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۴)، مؤمنین باید به پاره‌ای از صفات ممتاز آراسته باشند؛ صفاتی که براساس آیات سوره مؤمنون عبارت است از: ۱. خشوع (تسلیم کامل) که همان ایمان حقیقی است؛ ۲. روی گرداندن از کار لغو و بیهوده؛ ۳. عطا (زکات)؛ ۴. محدود ساختن شهوت‌ها (انواع خواهش‌های نفسانی)؛ ۵. رعایت امانت‌ها و پیمان‌ها؛ ۶. مواظب بودن و نگه‌داشت واجبات و حدود. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۴۶) البته این صفات از شاخصه‌های مهمی است که زیرمجموعه ایمان بوده و از الزامات درک آرزوهای قرآنی است.

۲. تقوا

تأکید بر تقوای الهی برای دستیابی به فلاح یکی از شروط رستگاری و رسیدن به آرزوهای سازنده است. (بقره / ۵ - ۲ و ۱۸۹؛ آل عمران / ۱۳۰ و ۲۰۰؛ مائده / ۱۰۰؛ نبأ / ۳۱؛ نور / ۵۲؛ تغابن / ۶۴) برای مثال مفسران در تفسیر آیه ۳۱ سوره نبأ، با تأکید بر عنصر تقوا (به معنای عمل به اوامر الهی و پرهیز از نواهی او) رستگاری و دست یافتن به آرزوها را از پیامدهای آن برشمرده‌اند. (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴ / ۶۹۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۶۹۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۱ / ۲۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۳۰ / ۲۱) متقین و پرهیزکاران براساس آیات ابتدایی سوره بقره و نیز آیه ۴ سوره لقمان دارای خصوصیتی هستند؛ همچون ایمان

به غیب، اقامه نماز، انفاق، پرداخت زکات و ایمان به آخرت. افزون بر این، برپایه آیه ۱۰۰ سوره مائده، رعایت پاکی‌ها و اجتناب از ناپاکی‌ها - که از ملزومات تقوای الهی است - نیز از شروط سعادت‌مندی و رستگاری ذکر شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶ / ۲۱۹) همچنین از بهشتیان به‌عنوان کامیابان و رستگاران نام برده شده (حشر / ۲۰) که یکی از خصلت‌های سه‌گانه‌ای که در آنان به فزونی وجود دارد، تقوای الهی است. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۵ / ۳۰۱)

۳. توکل

اتکال به مبدأ هستی از دیگر عوامل دستیابی به آرزوهاست که به استناد قرآن کریم، از صفات مؤمنین به شمار می‌رود (توبه / ۵۱): زیرا حقیقت ایمان این است که انسان به خالق خویش توکل کند و مشیت و اختیار خود را به او واگذارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۰۰؛ فعالی، ۱۳۹۲: ۴۹) حقیقت امر در مسئله توکل آن است که دستیابی به هدف و مقصد در این عالم به اسباب طبیعی و معنوی نیاز دارد و چنان نیست که اسباب طبیعی، همه تأثیر را داشته باشد. بنابراین اگر انسان بخواهد به امری پردازد که همه اسباب طبیعی مورد نیازش فراهم است، باید به خدا توکل کند و به سببی متصل شود که شکست‌ناپذیر و فوق هر سبب دیگری است. (همان: ۱۰۱)

۴. صبر

در مسیر هر کار مثبتی، مشکلات و موانعی هست که جز با نیروی صبر و استقامت نمی‌توان بر آنها پیروز شد. خداوند در بیان احوال بهشتیان در آخرت چنین می‌فرماید که ملائکه از هر باب بر آنها وارد شده و سلام می‌گویند. (رعد / ۲۴) در واقع به آنها می‌گویند که شما از هرگونه ترس و ناراحتی درامانید؛ زیرا بر سختی‌ها و محنت‌های دنیا در راه طاعت خداوند صبر کردید، و چه خوب است سرانجام خانه‌ای که شما در آن هستید و از لطف کرامت الهی برخوردارید! (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۳ / ۵۷) علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۳۳ سوره مؤمنون، «صبر» در این آیه را به معنای صبر در ذکر خدا دانسته، آن را یکی از عوامل رستگاری می‌شمرد. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۰۳) همچنین گروهی از مفسران، صبر مؤمنین در برابر آزار و استهزای کفار و مشرکین و بی‌اعتنایی به سرزنش آنها را از شاخصه‌های کامیابی آنها برمی‌شمرند. (بنگرید به: طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۸۹؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۸ / ۲۴۱)

۵. خشیت الهی

خشیت به معنای تأثر قلبی از چیزی است که انسان از اتفاق افتادن آن ترس دارد. البته آن چیز در نظر انسان باید امری عظیم و خطری بزرگ باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۳۱۶) این فضیلت از شرایط نایل

شدن به آرزو (فوز) بیان گردیده است. (نور / ۵۲) با توجه به آراء مفسران شیعه و سنی درباره این آیه، خشیت به معنای ترس از خداوند در باطن (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۰۶)، بیمناکی از کیفر نافرمانی خدا (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۱۵۸) و نیز ترس از گناهان گذشته است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۵۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۴۱۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۸ / ۲۷۷)

۶. ذکر الهی

به گفته راغب در *مفردات*، ذکر دو معنا دارد: حضور چیزی در ذهن (یادآوری) و نیز حفظ و نگاهداری معارف و اعتقادات حق در درون جان. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۲۸) این مقوله که خود دارای سلسله مراتبی است، در چندین آیه، از جمله شرایط و پیش‌زمینه های رستگاری و فلاح عنوان شده است. (جمعه / ۱۰؛ اعراف / ۶۹؛ انفال / ۴۵)

۷. تزکیه

تزکیه معنای وسیعی دارد: پاک‌سازی روح از آلودگی شرک، پاک‌سازی از اخلاق رذیله، پاک‌سازی عمل از محرمات و هرگونه ریا و نیز پاک‌سازی مال و جان به وسیله دادن زکات در راه خدا. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۶ / ۴۰۳) تزکیه از جمله صفاتی است که بارها در آیات الهی آمده و در دو مورد نیز بر نقش مهم آن در رستگاری تأکید شده است. (اعلی / ۱۴؛ شمس / ۹)

اهمیت نقش تزکیه به حدی است که خداوند متعال از آن به‌عنوان یکی از ارکان بعثت پیامبر اعظم ﷺ یاد می‌کند. (آل عمران / ۱۶۳؛ جمعه / ۲) در تبیین رابطه بین تزکیه و آرزومندی در *مجمع البیان* (در تفسیر آیه ۱۴ سوره اعلی) آمده است: کسی که به سبب ورع اعمال صالح، پاک و منزّه شده، به منت‌های آرزوی خود رسیده است. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۲۷ / ۲۸) در ادامه آیه بعد از تزکیه، از ذکر نام خداوند و نماز به‌عنوان دیگر شروط رستگاری نام برده شده است. در تأیید این موضوع، با استناد به تفسیر آیه ۹ سوره مبارکه شمس، تزکیه نفس و رشد و اعتلای آن با تقوا و عمل صالح، عامل قطعی رسیدن به تمامی آرزوهاست. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۳۰ / ۲۶۰)

۸. عمل صالح

یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به آرزوهای قرآنی انجام عمل صالح است. خداوند در قرآن کریم مسلمانان و اهل کتاب را از تکیه کردن به آرزوهای خود برحذر می‌دارد و آنان را به انجام اعمال صالح همراه با ایمان قلبی فرامی‌خواند (نساء / ۱۲۴ - ۱۲۳) در آیه‌ای دیگر نیز راه رسیدن به حیات طیبه را ایمان و عمل صالح به همراه ایمان قلبی معرفی می‌کند. (نحل / ۹۷)

۹. سعی و تلاش

مجاهدت و تلاش از عوامل مهم برای رسیدن به آرزوهاست. در آیه ۳۹ سوره مبارکه نجم آمده است: «و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست.» جالب اینکه در آیه مذکور نمی‌فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌فرماید: تلاشی است که از او حاصل شده است. بنابراین نکته مهم، تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف است، حتی اگر به مقصد و مقصود نرسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۵۵) در آیه دیگری آمده است: «و هر کس آخرت را بخواهد و برای آن کاملاً کوشش کند، درحالی که او مؤمن باشد، پس آنان تلاششان سپاس‌گزارى خواهد شد.» (اسراء / ۱۹)

۱۰. هجرت در راه خدا

براساس آیه ۲۰ سوره توبه، هجرت در راه خدا یکی از عوامل رستگاری معرفی شده است. این عمل که توأم با مخاطرات مادی و معنوی متعددی است، مشروط به داشتن ایمان، موجب سعادت‌مندی آدمی است. (بنگرید به: طیب، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۲۰)

۱۱. جهاد در راه خدا با مال و جان

در معیار قرآنی و اسلامی، جهاد بر هر عملی مقدم است؛ زیرا مهم‌ترین چیز در نزد انسان، آزادی او از تسلط سیاسی و استثمار اقتصادی، و ساختن یک بنیان اجتماعی صالح است. منظور از جهاد، تلاش برای برپایی حکومت الهی (بر مبنای آزادی، عدالت و اقتصادی) بر روی زمین است. جهاد با هدف دگرگون ساختن نظام فاسد و آزاد ساختن انسان از بردگی سرمایه‌داری صورت می‌گیرد. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴ / ۱۲۲) بدیهی است استقرار چنین نظامی که در طول تاریخ، نهایت آمال انبیا و موحدین بوده است، خود می‌تواند یاری‌گر بشر برای دسترسی به تمایلات توحیدی باشد. بنابراین بسته به شرایط، جهاد می‌تواند در دست یافتن به آرزوهای حقیقی نقش مهمی ایفا نماید. (توبه / ۸۸؛ مائده / ۳۵)

۱۲. اطاعت از خدا و رسول ﷺ

آیات متعدد، مطیع خدا و رسول بودن را از شروط کامیابی دانسته‌اند. (احزاب / ۷۱؛ نور / ۵۲ - ۵۱) با استناد به تفسیر آیه ۵۲ سوره نور، قاعده کلی این است که هر کس خدا و رسول او را اطاعت کند و از خدا بترسد و تقوا پیشه کند، رستگار خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۰۶)

۱۳. تبعیت از قرآن

مفسران مقصود از «نور» در آیه «وَ اتَّبِعُوا التَّوْرَةَ الَّتِي أَنْزَلَ مَعَهُ» (اعراف / ۱۵۷) را قرآن کریم می‌دانند.

تبعیت از این کتاب آسمانی، توأم با داشتن برخی ویژگی‌های اعتقادی و رفتاری، از عوامل رستگاری و فلاح ذکر شده است. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۹۸)

۱۴. امر به معروف و نهی از منکر

این واجب الهی براساس آیه ۱۰۴ سوره آل عمران یکی از شروط لازم برای رسیدن به رستگاری است. مراد از «معروف» اوامر خدا و رسول ﷺ و مراد از «منکر» نیز منہیات ایشان است. (بنگرید به: طبرسی، ۱۴۰۶: ۴ / ۱۹۲)

۱۵. پرهیز از بخل

اجتناب از این رذیله اخلاقی و انفاق مال در راه خدا در کنار ایثار و از خودگذشتگی، از جمله عوامل رستگاری و دستیابی به آرزوهاست که خداوند متعال در آیاتی چند (حشر / ۹؛ تغابن / ۱۶) به آن امر نموده است. (بنگرید به: زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۸ / ۲۵۶)

نتیجه

قرآن کریم ضمن تأیید آرزومندی صحیح و سازنده با شاخص تقرب الهی، با ذکر مصادیق آمال انبیا و مؤمنین، نوعی الگودهی توحیدی را درباره نظام آرزوهای بشری به نمایش گذاشته است. علاوه بر آن در یک چینش حکیمانه در لابه‌لای آیات، به ارائه راهکارهای دستیابی به آنها (در دو حوزه باورها و رفتارها) نیز پرداخته است. از منظر قرآن، عواملی نظیر ایمان، تقوا، خشیت الهی و تزکیه در حوزه «باورها»، و از سویی شاخصه‌هایی همچون عمل صالح، هجرت و مجاهدت در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر و اطاعت از خدا و رسول در حوزه «عملکرد»، از جمله عوامل و راهکارهای دستیابی به آرزوها محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ۱۴۱۵ ق، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

- ابن اثیر، مبارک بن محمد الجزری، ۱۳۶۷، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، محقق محمود محمد الطناحی و طاهر احمد السزاوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۴.

- ابن فارس، ابوالحسین احمد، ۱۴۲۲ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق محمد عوض مرعب والآنسه فاطمه محمد اضلان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- پورافکاری، نصرت‌الله، بی تا، فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چ ۲.
- ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ ق، تفسیر روان جاوید، تهران، برهان، چ ۳.
- جعفری، یعقوب، بی تا، تفسیر کوثر، بی جا.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، ۱۳۷۸ ق، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق عده‌ای از محققان، کویت، دار الهدایه.
- داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، صدر.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ ق، المفردات فی غریب القرآن، محقق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه.
- روحانی، محمود، ۱۳۶۶، المعجم الإحصائی للالفاظ القرآن الکریم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- روحی بعلبکی، ۲۰۰۵ م، المورد (قاموس عربی انگلیسی)، بیروت، دار العلم للملایین، چ ۱۹.
- زحیلی، وهبه ابن مصطفی، ۱۴۱۸ ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت دمشق، دار الفکر المعاصر، چ ۲.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ۳.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۰ ق، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۸ ق، معترك الاقرآن فی اعجاز القرآن، بیروت، دار الکتب عملیه.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، نشر داد.
- شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۸۰، نثر طوبی یا دایره المعارف لغات قرآن مجید، تهران، اسلامیه، چ ۴.
- شیرازی، احمد امین، ۱۳۸۰، آیین بلاغت (شرح مختصر المعانی)، قم، فروغ قرآن، چ ۴.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر القرآن الکریم (صدر)، قم، بیدار، چ ۲.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.

- _____، ۱۴۱۷ ق، *المیزان*، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ترجمه مترجمان، تهران، فراهانی.
- _____، ۱۴۰۶ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ ۳.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، چ ۲.
- عثمان، عبدالکریم، ۱۳۶۷، *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، ترجمه سید محمدباقر حاجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۹.
- عسگری، ابوهلال، ۲۰۰۶ م، *فروق اللغویه*، محقق محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۴.
- عمایره، اسماعیل احمد و سید عبدالحمید مصطفی، ۱۴۱۰ ق، *معجم الادوات و الضمائر فی القرآن الکریم*، قم، دار الفکر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ ق، *ترتیب کتاب العین*، محقق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم، اسوه.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعه و النشر.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۵، *فرهنگ نامه آرزو*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۳۷۷، *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مزلو، ابراهام اچ، ۱۳۶۷، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۹، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ایران، دائرة العامه للمراكز و العلاقات الثقافیه.
- _____، ۱۳۸۰، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، بی تا، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی یک جلدی*، تهران، معین.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- منصور، محمود، پری‌رخ دادستان و مینا راد، بی تا، *لغت‌نامه روان‌شناسی*، بی جا.

ب) مقاله‌ها

- فعالی، محمدتقی، ۱۳۹۲، «توکل و مسئله کفایت خدا از منظر آیات قرآن»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۱۵، ص ۶۰ - ۲۹، قم، دانشگاه معارف اسلامی.